

اطلاعیه

بدون تردید در زمینه‌ی مسائل درونی جنبش چپ، ضمنی که بیش از همه مورد تأکید و ملاحظاتی است ضرورت همکاری و اتحاد عمل نیروهای چپ است. این تأکید ما نه حاکی از ساختن مسائل واقعی و کار درون جنبش بلکه ناشی از این بوده است که معتقدیم بوده ایم و هستیم که عنوان بر مشکلات موجود مسلط شود. ما دلائل جدایی‌ها و تفرق‌ها

را خود مشاهده می‌کنیم و در پیرو این شناخت و معتقد بوده‌ایم که از ساده‌ترین علل مانده همکاری ما پیچیده‌ترین آنها مانند انعکاس مسائل بین‌المللی در ایران اگر هم قابل فهم باشد قابل حل است. و هرگونه تدبیر و درجه‌ای که این عمل انجام گیرد باید وسیع‌ترین و عمیق‌ترین مسائل اتحاد عمل و وحدت مسئولان عالی را مستعمله مشخص کرد که نیروی کمونی را تحمیل دهد و اعمال به حد قابل قبول برساند.

با این برداشت آشنایی و مدارات با رفقای "گروه کمونیستی اسپارتاکوس" را که از چند ماه پیش شروع و اخیراً توسعه یافت همچنان یک نمونه‌ی مادی برای محقق شدن سایر های مشترک ما و این رفقا تا گردیم و اکنون در پی آنیم که رسیدن به توافقی برای مشخص بین دو جریان را اعلام کنیم. این توافق‌ها بر مبنای حرکت از زمینه‌ی نقطه‌ی تفرق آید که در عین حال و سیاسی مشترک و برنامه‌ریزی عملی خود این نکات شروع شده و پستی و سخت و تندر نظر بسزایین مسائل مورد اختیاری ادامه خواهد یافت. در این زمینه رفقای

"گروه کمونیستی اسپارتاکوس" توافق کرده‌اند که فعالیت‌های عملی و تبلیغی خود را در ارتباط با برنامه‌های سازمان ما تنظیم کنند و در عین حال فعالیت ترویجی مشخص خود را در مواردی که اتفاق نظر وجود ندارد ادامه دهند.

این همکاری علاوه بر جنبه عمومی فوق‌الذکر بر اهمیت دو تکیه در بر همکاری دارد. اول آنکه تلاش میدهند وجود اختلاف مانع حرکت ضمنی بر مبنای اتحاد مشترک نیست و این شاید برای برخی از جریان‌ها دیگر نیز رهنمودهایی دربر داشته باشد و دوم آنکه در عین حال که ضرورت اتفاق قند از پورت فانیستی امپریوریسم درک شده بود با اهمیت عملی شدن آن در شرایط کمونی جواب مناسبی به خطای رژیم ناز هست. امیدواریم که سایر این اتفاق تا وحدت بی‌پیرایه و برقرار باشد.



سازرات شوریک - سیاسی و درکام نخستین اجساد
اتفاق آراء نسبت به راه با مرحله‌ی انقلاب و برنامه‌ی
آن که همانا تشریح انقلابی است - در میان جنبش
کمونیستی دامن زد. نظارت و تا حدودی شرکت
عناصر تشکیل دهنده‌ی گروه، چه بصورت جمعی و چه
فردی، در مذاکرات و جدل‌های نظری گروه عمده‌ی
کمونیستی بیرونی درک از مسائل پایه‌ای سوسیالیسم
علی و انضباط آن با شرایط داخلی - بی‌گمان ما را
در انتخاب مواضع امروزین مان و انتخاب "سازمان
وحدت کمونیستی" کنگ و پاری رساند.
از پیله‌ی مسائلی که در فرودای قیام بهمن ماه زمینه‌ی
جدایی جنبش کمونیستی را تشکیل میداد، درک و
استنباط از ماهیت حاکمیت و محتوای اجتماعی - سیاسی
قیام توده‌ای بهمن ماه بود. بیولوژیسم اکثریت

نویسنده‌ی حاضر پاسخی است به یک نیاز تاریخی.
افتخالی مبارزات طبقاتی در راستای اهداف تاریخی
کمونیسم. عمر شناخت گروه ما از جنبش تازگی و چرایی
انتخاب "سازمان وحدت کمونیستی" از میان دیگر
مذاهب کمونیسم. به تفرقی نسبتاً دراز روزگاران
کمونی می‌رسد. درک ضرورت همکاری و اتحاد در درون
خانواده طرفداران طبقه‌ی کارگر، برای ما هیچگاه
موضوعی لمحه‌ای و نشات گرفته از مقاصد فرقه‌ای
نبوده و نیست. ما اتحاد و همکاری مقطعی را همواره
گاهی در جهت وحدت ولای جنبش کمونیستی، که
خود پیش شرط برپائی حزب طبقه‌ی کارگر است، می-
انگاریم. ولی نیک نیز میدانیم که برای تسریع فرایند
تشکیل حزب کمونیست و بوجود آوردن زمینه‌ی وحدت
واقعی کمونیست‌ها، تنها به مسئله‌ی وحدت عمل
مقطعی دل بستن امری اصولی نیست، بلکه باید به



اطلاعیه

کمیته‌های ایرانی این اجازه را نداد، که بر سوزنی به حرم "شعد طبیعی یونانیا" یعنی خرده بوزوازی در حاکمیت و رفتارش برخورد شود. و این درک نادرست و غیر علمی تا بدینجا ریشه دو اندام بود که هرکس از فساد کار و سرمایه سخن بمان می‌آورد، با آنکه تروتسکیسم از میدان بدرش می‌کردند. "سازمان وحدت کومنیستی" در آن دوران از جمله جریاناتی بود که با صراحت کلامی بر ارزنده به تعیین جایگاه خرده بوزوازی در حاکمیت و نقش یونانیا در فساد اساسی جامعه سرمایه داری ایران پرداخت. تحلیلی که تشکیل دهندگان امروزی "گروه اسپارتا کویس" را با آن توافق و سازگاری بود.

موضوع اشغال سفارت آمریکا که توسط ایادی حزب "جمهوری اسلامی" و تبلیغات بعدی رژیم پیرامون "ضد امپریالیستی" جلوه دادن این عمل، چگونگی سلبی خاندان برانداز، چپ ایران را بدو نیم تقسیم نمود. و این تقسیم بندی تا بدینجا ادامه یافت که بخش صعبی از چپ سنتی ایران همچون سازمان چریک‌های فدائیان خلق (قبل از انشعاب) به نائید از این اقدام پرداخت و جندی بعد حتی "فدائیان اکثریت" را بر کنار اردوگاه ارتجاع حاکم ثابت مکان کرد. خونخیزانه وضع و نتیجه گیری های رفقای "سازمان وحدت کومنیستی" نسبت به این رخداد نیز با ما اشتراکات فراوان داشت.

با شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق، باقی مانده‌ی برج و باروهای بخش شرقی جنبش کومنیستی ایران دستخوش فعل و انفعالات شعد گردید. بسیاری از نیروهای تشکیل دهنده‌ی این بخش از جنبش کومنیستی از بی "دفاع از دستاوردهای قیام" و بی "مبارزه با امپریالیسم آمریکا" به تبلیغ شرکت در جنگ پرداختند. قائل از آنکه با چنین اصرالی به عمر رژیم چنانچه جمهوری اسلامی خدمت میکنند. بی لاف با آغاز جنگ موضع گیری چپ ایران نسبت به این رویداد، عفا بیدی نوبی در میان جنبش کومنیستی ایران پدیدار گشت. ما بر تحلیل در آن

هنگام نوشتیم:

"اگر جنگ کومنی برای زحمتکشان میهنمان بجز نفرو بی خانمانی چیزی بهمراه نداشت، ولی در عوض برای جنبش کومنیستی این برکت را داشت که صورت بندی جدیدی را در میان خود بوجود آورد."

ما جنگ ایران و عراق را از جانب دو رژیم جنگی ارتجاعی و بضرر زحمتکشان دو کشور ارزیابی کردیم و در این موضع نیز با "سازمان وحدت کومنیستی" همخوانی و همراهی داشتیم.

ما از تکرار تاریخچه رخدادهای اجتماعی، این قدر را نداریم که بخواننده الفبا، نشانی که مانیز در این درگیری های اجتماعی به اندازه چشم و توانان حاضر داشتیم، بلکه قصد ما از تکرار این مسائل فدا و لفظ نشان دادن پیشینه‌ی سیاسی توافق امروزی و سیر اتحاد و همکاری امروزی با "سازمان وحدت کومنیستی" است و بصره

ما برخلاف وحدتهای غیر اصولی و لوزان تاکتیکی بخشهای مختلف جنبش کومنیستی با هم، همکاری و اشتراک صلبی امروزی مان را با "سازمان وحدت کومنیستی" فقط از دل شرایط کومنی و صحت های نه و با دو جلسه ای استنتاج نکرده ایم. همکاری امروزی دستاوردی صرف توافق چه باید کردهای کومنیستی نیست، اگرچه خود این چه باید کردها ریشه در شناخت پیشین دارند. زمینه مادی چنین نزدیکی از تکرار نسبتا یکسان و همسو ما با "سازمان وحدت کومنیستی" بر سر بهترین رخدادهای اجتماعی چه در گذشته و چه در حال نتیجه میشود.

ما معتقد بودیم و هستیم که اگر جریانهای انقلابی کومنیستی در صورت وجود نزدیکی در مواضع، شعارها و برنامه های سیاسی طریقه داشتن اختلاف نظرهای در موارد تشریحی، همانگونه که در مورد ما با "سازمان وحدت کومنیستی" پیرامون مرحله ی انقلاب و درک از پاره ای از پورولماتیکهای جنبش جهانی کومنیستی اختلاف نظر موجود است، پایینی شرایط همکاری علمی و نظری بایکدیگر را فراهم آورند.

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

اطلاعیه

ما نمیتوانستیم در معنیت کمونی با ارزیابی نسبتا یکسانی که از شرایط و ماهیت تحولات اجتماعی آسی با " سازمان وحدت کمونیستی " داشتیم ، همبسته گذشته دیواره ای به گرد خود کشیده و هرگونه عمل مشترکی را منوط به حل اختلافات تئوریک سازیم و به ندای رهبا در وحدت عمل نیروهای چپ پاسخ نگوئیم.

ما نمیتوانستیم در زمانیکه جنبش کمونیستی در زیر شدیدترین ضربات ارتجاع خاکم قرارداد و بخشهایی از آن هنوز از تصور کیدگانهی " خود مرکز بینی " سرور نبوده اند ، هرگونه همکاری و عیاری را وابسته به بیداری دیگر بخشها ساخته و به امر همکاری و اتحاد پاسخی نگوئیم.

ما نمیتوانستیم در برابر سیر تحولات اجتماعی و گسترش نبود بلوک رفهپستی که ماسفانه بخشهایی از طغیان کمونیسم را نیز بدنبال کشیده ، بی تفاوت مانده و اشتراکات سیاسی را برجسته نکنیم ، تا از این طریق در امر پیشبرد ضایع پروتاریا قدم مثبتی برداشته باشیم . ما برخلاف تاقیه بازار چپ جنبش کمونیستی ، طریقتی نداشتیم که بخواهیم جنبش را در چهار چوب آن امون ویژه بکنانیم . چهار سویه ی تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه را نمیتوانیم محدود به چهار دیواری فرقه و گروه خود سازیم . ما سخن هر پایگاه خصم طبقاتی را ، سنگری برای تعرض بعدی انقلاب میدانیم و از اینرو همواره این گفتار داهیانسه نئین را سرمنش خود قرار داده ایم که :

" انقلابین البته هرگز ازمبارزه برای رفم ها ، از دست یابی به کم اهمیت ترین و فرعی ترین پایگاههای دشمن ، هرآینه این پایگاهها به تعرض انقلابی نیرو بخشند و پیروزی کامل را تسهیل نماید چشم نمیپوشند . اما آنها هرگز فراموش نمیکنند که دشمن در بعضی موارد یکی از سنگرگاههایش را تخلیه میکند تا حمله کند . گانرا ازمهم جدا کرده و آسانتر بزانو درآورد .

آنها هرگز فراموش نخواهند کرد که جنبش فقط آنگاه از گامهای ضعیف و اشتباهات فاحش صون خواهد بود که " هدف غائی " همواره در

مد نظر قرار گیرد . هنگامیکه هرگام " جنبش " و هر رفم از موضع ساززه انقلابی ارزیابی گردد .

و نیت نیز میدانیم که تدارک تعرض انقلابی در این شرایط نیازمند توجه ای بس عظیم و تنوسد است ، که امر همکاری و اتحاد کمونی ما با " سازمان وحدت کمونیستی " اندکی از این بار عظیم اجتماعی است . همکاری ما در شرایط کمونی با " سازمان وحدت کمونیستی " بر پایه ی عام ترین خواسته های دموکراتیک پروتاریائی که در مرکز خود امر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تملیح این واقعیت را که آزادیهای دموکراتیک و هرگونه دگرگونی اساسی دیگر در نهایت فقط بوسیله اعمال دهر انقلابی توده ها بدست باید تشکک دهد . این همکاری در حد دیده خواسته های مشترک تحت نام س. و. و. ک و ارگان آن رهاسر انجام میگردد .

سرنگین باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
بیش بسوی برپائی مجلس موسسان زحمتکش
متحکم باد اتحاد جنبش کمونیستی

آبان ماه ۱۳۶۰

گروه کمونیستی اسپار تا کوس

هموطن !

باتوجه به محدودیت امکانات سازمان ما در چاپ وسیع و بخش گسترده ی " رهائی " که خود ناشی از اقدامات سرگودانه ی رژیم ارتجاعی و استبدادی جاگم است . کوشش کن که پس از خواندن " رهائی " ، (در صورتیکه امکان تکثیر آنرا نداری) سهم وسیله ی مطن هر شماره را لااقل بدست همسایگان ، دوستان و آشنایان خود برسانی و با ابتکار سهم خود را در افزایش ماهیت ارتجاعی و مد بردی رژیم جمهوری اسلامی ، برای درعم تشکک جو اجتماعی و سرکوب و در مبارزه علیه ترور و استبداد ، ادا کنی .

پیروزی با ماست

